

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه فرهنگیان امام خمینی (ره) سلماس

درس: نظام تربیتی اسلام

مدرس: رقیه سلطان بیگی

جلسه چهارم: مفاهیم مرتبط با تربیت

تعلیم

تعلیم یعنی رساندن متعلم به حدی که حقیقت شی مورد نظر را طوری درک کند که بتواند مفهوم مورد نظر را در نفس خویش تصور کند. تعلیم، انتقال عین معلوم به نفس متعلم است.

آموزش

آموزش در اصل به کلیه برنامه هایی گفته می شود که وظیفه انتقال مفاهیم را به ذهن و قلب دانش آموز بر عهده دارد و امور آموزشی به اموری گفته می شود که مقدمات و زمینه های لازم را برای انتقال این مفاهیم فراهم آورد.

تفاوت آموزش با تعلیم

هر آموزشی تعلیم نیست؛ هر تعلیمی آموزش را نیز شامل می شود. موضوع آموزش و تعلیم یکی است اما نتیجه تعلیم و آموزش متفاوت است.

نهایت آموزش انتقال اطلاعات و آگاهی است ولی نهایت تعلیم ایجاد نور و روشنی حیات است. آموزش مربوط به دانش و تعلیم مربوط به علم است. آموزش، انتقال اطلاعات و تعلیم ایجاد نور در انسان است.

رابطه آموزش و پرورش

مفهوم آموزش، متوجه مقدمه انتقال مفاهیم به مربی است، در حالی که مفهوم پرورش متوجه نتیجه انتقال مفاهیم و چگونگی رشد شاگله و مهارت ها و خلاقیت های حاصل از آموزش است.

نسبت تعلیم و تربیت:

تعلیم از تربیت نباید جدا باشد و تعلیم باید با تربیت آمیخته باشد. بهترین شکل کار این است که معلم مربی نیز باشد. تعلیم اجرای تمامی مراحل هر تربیتی است به عبارت دیگر، تربیت به ساختمانی می ماند که تعلیم، آجرها و اجزای آن را تشکیل می دهد. تربیت مانند خطی است که نقاط آن را تعلیم تشکیل می دهد. تعلیم در حقیقت عین تربیت است با این تفاوت که استمرار تعلیم، مجموعه ای را بوجود می آورد که تربیت نام خواهد گرفت.

تزکیه

تزکیه در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و در اصطلاح علم اخلاق عبارت است از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است. تزکیه، واژه‌ای مطرح در فرهنگ تربیتی قرآن و اصطلاحی در علم حدیث و امر قضا که از آن مفهوم پاکیزه‌سازی اراده می‌شود. تزکیه به صورت‌های گوناگون بیش از ۲۰ بار در قرآن به کار رفته است.

تزکیه رشد دادنی است که خدایی باشد و در جهت خیر و برکت و سعادت است و هم برای دنیای انسان مفید است. این مفهوم با تربیت فرق دارد، در مفهوم تربیت همه این ریزه کاری و دقت و ظرافت نیست فقط زیاد شدن آن هم از لحاظ ظاهری.

نسبت تزکیه و تربیت

تزکیه مفهوم عمیق ترین نسبت به تربیت دارد به طوری که شامل مفهوم تربیت نیز می شود ولی تربیت شامل تزکیه نمی شود. لذا در قرآن آنجا که لغت تزکیه آمده است، تربیت به کار نرفته است. تربیت پرورش و دایعی است که تنها در وجود انسان نهفته است و لذا تنها شامل انسان می شود. وقتی انسان مرتبه تربیت را طی کرد به وسیله انبیا و اولیا به لباس تزکیه مزین میشود. لذا تزکیه مرتبه بالاتر از تادیب است. تربیت خداوند شامل همه موجودات می شود لکن تزکیه را برای بندگان خاص قرار داده است.

تربیت هدف تعلیم و تزکیه هدف تربیت است تزکیه الزاماً یک فرایند دو سویه نیست یعنی حتماً مربی نمی خواهد با خودسازی شخصی هم میسر است.

تأدیب:

تادیب نیز در لغت به معنای ادب آموختن به کسی، ادب کردن، آموختن طریقه ی نیک و یا تربیت نمودن است، واژه ی دیگری که مترادف تادیب به کار می رود ، تنبیه است ، تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن و بیدار کردن ، است. هم چنین تادیب در اصطلاح فقها مجازات سبکی است که اسلام برای اعمال ناشایسته ی کسانی که به حد تکلیف شرعی نرسیده اند، در نظر گرفته است. تادیب به معنای «کیفر»، نوعی از تعزیر است که از اختیارات حاکم شرع است. بنابراین تادیب اعم از تعزیر است؛ در مبحث تربیت هم تادیب یعنی دقتها و ظرافت های میهمان داری، هرگونه ظرافت در رفتار، هیئت نیکوی افعال ، نفس فعل نیکو، هیئت نیکوی فاعل (اخلاق پسندیده)، اعم از تمام موارد به علاوه علوم و معارف شخص.

تادیب ایجاد زمینه برای ترکیه است. لذا گاه به معنای تزکیه نیز به کار می رود. تا فرد، مودب نشود و تا وقتی حریم و حرمت کلام و رفتار نشناسد، محال است به تزکیه دست یابد. کلمه ی تربیت در فرهنگ اسلامی هم به معنی تادیب و هم به معنی ترکیه به کار رفته است .

نسبت تادیب و تربیت

تادیب، هدف تعلیم و تزکیه، هدف تادیب است، تعلیم، مقدمه تادیب است و تادیب مقدمه تزکیه است. تادیب ممکن است شامل تزکیه نشود، اما تزکیه لزوماً شامل تادیب است. تادیب، مرحله اول تربیت است. تزکیه مرحله ی بالای تربیت است.

تادیب برخلاف تطهیر و تزکیه که جنبه سلبی داشتند، جنبه ایجابی دارد و ناظر به قاعده مند در رفتارها و حالات درونی، طبق قواعدی معین است. در مورد انسان، تادیب، به طور عمده، به معنای تربیت اخلاقی است و این واژه شامل تعلیم، به معنای عام کلمه نمی شود.

اگر تادیب را به معنای خاص بگیریم و تادیب شامل ایجاد هیئت مستحسن فعل و نفس شود، مصداق تربیت می شود. در این معنا، تقیدی به تغیر در کلیت شخصیت، نداریم، بنابراین صرفاً مصداق قسمی از اقسام تربیت (تغیر در رفتار شخص) است نه روش و مقدمه. اما اگر تادیب را به معنای عام بگیریم، و هر نوع تغیر را در برآیند شخصیت بدانیم، تادیب، روشی تربیتی است.

تبلیغ

واژه ی «تبلیغ» یعنی رساندن، و قرآن کریم آن را در مورد رسالات به کار برده است. براین اساس تبلیغ عبارت است از رساندن یک پیام از کسی به کس دیگر، رساندن یک فکرو یا یک پیام رساندن چیزی به فکرو روح و ضمیر و قلب کسی.

نسبت تبلیغ و تربیت:

وجوه اشتراک

دو فرایند تربیت و تبلیغ با دو نوع ارتباط و تعامل خاص در ویژگی های مختلفی مشترک اند، برای مثال، هردو هدفمندند. هردو نظام دارند. هر دو برای تغیر دادن رفتار با گرایش ها و ارزشهای مخاطبان خود تلاش می کنند. هردو به مهارت های خاصی در برقراری ارتباط و تعامل مؤثر نیاز دارند و ...

وجوه اختلاف

تفاوت در برد و نفوذ پیام تبلیغ صرفا رساندن است و نفوذ در شخمت درنده مطرح نیست.

تفاوت در ابزارها: در تبلیغ ابزارهای عمومی و برای تحریک عواطف مخاطب به کار میرود مادر فرایند تعلیم و تربیت، ابزارهای تخصصی استفاده می شود و نه به آن منظور مصرف

تفاوت در پیوند بین مربی و مربی؛ تبلیغ لازم به پیوند خاص میان این دو نیست، اما مفهوم توییت قرامش به پیوند میان این دو می باشد.

تفاوت در گستره مخاطب: تبلیغ گسترده تر و در میان همه ی رده های سنی ممکن، اما در تربیت اینگونه است. ابلاغ و یک سویه است و متضمن فعالیت مربی نیست، در حالی که تربیت، منضمن لهم اعمالی از سوی مربی است که ذکر آن ها گذشت.

در حوزه تربیت:

از مخاطبان انتظار هست که فعال باشند، چون مسئولیت نخست تغییر رفتار خودشان هستند؛ در صورتی که در حوزه ی تبلیغ، از مخاطبان انتظار دارند که بیشتر منفعل (ایسنا) باشند. در حالی که تربیت، تحریک بیداری است.

تربیت، سراسر زندگی فرد را در برمی گیرد؛ در صورتی که فرایند تبلیغ معمولا محدودیت زمانی حتی مکانی دارد.

علامه طباطبایی در تعریف علم اخلاق می نویسند: «علم اخلاق عبارت از قنی است که پیرامی ملکه های انسانی بحث می کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست»

اخلاق اسلامی، مجموعه گرد آمده از رسول خدا(ص) و سیره اهل البیت(ع) است، مایه هدایت انسان می باشد و تمامی اجزا و ارکان تربیت را در بر می گیرد. اخلاق بر دو نوع عملی و نظری است که اخلاق نظری، عوامل سهیم و موثر در صدور رفتارهای انسان را معرفی کرده و نظام دستگاه های ادراک و دریافت و نیز انعکاس انسان در مقابل دریافت های درونی خود و محیط را بررسی می کند و چگونگی کنش و واکنش آنها را معرفی می کند. اما اخلاق عملی، نقشه راه و برنامه تربیت انسان معتدل و توانا و رشید و رشد یافته و انسان الهی است که بر اساس مبانی نظری اخلاق تدوین و تهیه شده است.

تفاوت اخلاق و آداب

علامه طباطبایی در مورد تفاوت اخلاق و ادب مینویسد: بر خلاف تصور عده ای که بین اخلاق و ادب تفاوت نمی گذارند، بین آنها تفاوت وجود دارد. اخلاق همان ملکه نفسانی است و از اوصاف روح بانفس است، ولی ادب از اوصاف عمل است. ایشان خاستگاه آداب را اخلاق و خاستگاه اخلاق را غابات خاص هر جامعه دانسته است.

از نظر ایشان عمل هم می تواند در قالب و الگویی زیبا و هم می تواند در قالب و الگویی زشت انجام برد. ایشان ادب را به هیاتی زیبا و ظریف تعریف کرده اند که سزاوار است عمل طبق آن انجام گیرد.

نسبت اخلاق و تربیت

مبانی تربیت و اخلاق، مشترکند. موضوع هردو، انسان است. اهداف نهایی هردو قرب الهی است. ولی در روش هاعموم و خصوص من وجه هستند. تنبیه و موعظه مشترک اما روش های خاص هردو نیز وجود دارند. عرصه ی تربیت، تمام عمر انسان، اما اخلاق مربوط به افعال اختیاری است. تربیت ابعاد گوناگونی چون بعد اخلاقی، اجتماعی، دینی و... دارد و اخلاق نیز همین طور ابعاد تربیتی، سیاسی، اقتصادی و...

تفاوت اصلی این دو در قید دیگرسازی و خودسازی است. در تربیت فرآیند تغییرات مطلوب در مربی است، ولی اخلاق علاوه بر فرآیند تغییرات مطلوب در انسان، از گزاره های توصیفی و هنجاری سخن می گوید. بیش ترین ارتباط بین این دو در اخلاق تربیتی است. یعنی ایجاد تغییر در حوزه ی اخلاقیات و ملکات وجودی انسان دیگر، بدون توجه به دیگر عرصه های وجودی مربی.

رشد

تعریف رشد برخی صاحب نظران، تغییر و تداوم در زندگی را رشد می نامند. به نظر آنها، رشد یعنی تغییراتی که به طور مستمر در طول زندگی ارگانیزم، از لحظه ی انعقاد نطفه تا لحظه ی مرگ به وجود می آید.

علامه طباطبائی نیز در تعریف این واژه می نویسند: «رشد یعنی یافتن راه کار و جاده مستقیم رشد، در برابر خسر است و کمال، در برابر نقص، آن چه که به اوج خویش رسید، مثلاً قدرت بازوها، قدرت فکری، قدرت عقلی، قدرت روحی و ... هنگامی که به اوج خود رسیدند و از نقصها رها شدند، باز هم همراه یکی از دو حالت رشد و یا خسر هستند. اگر با دستم و قدرت بازویم در جهت عالی ترکار کنم، رشد کرده ام و گرنه خسارت دیده ام و باخته ام. رشد، زیاد شدن انسانی است که به استعدادهای تکامل یافته اش جهت می دهد و آن ها را از بن بست می رهاند و به دنبال روش حرکت و صراط و رهبری می افتد و ضرورت مذهب را می یابد. لذا به نظر می رسد این واژه نیز از مفهوم تربیت متمایز است.

اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

هدف، تعیین کننده‌ی جهت و مقصد حرکت است و برای مصون ماندن از انحراف در مسیر، باید از پیش به دقت معلوم باشد. چنان که دیدیم تعلیم و تربیت فرآیندی است هدف مند و به این جهت تعیین هدف در تعلیم و تربیت، جهت دهنده و تعیین کننده‌ی مقصد و مقصود از فعالیت های متنوعی است که در عرصه تعلیم و تربیت صورت می گیرند. از آن جا که تفاوت در هدف گذاری تعلیم و تربیت در تعیین سایر مولفه های آن نیز تاثیر می گذارد، به نظر می رسد اولین و مهم ترین کار برای متمایز ساختن تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه های رقیب، تعیین دقیق هدف یا اهداف آن است.

تعریف هدف

هدف در لغت به معنای هر چیز مرتفع مانند ساختمان، تپه و کوه به کار رفته و گویا « غرض» یا همان نشانه‌ی تیراندازی، نیز از این جهت که در ارتفاع قرار داده می شده، هدف نامیده شده است. به هر حال، هدف مطابق یک معنا، همان غرض است، که با توسعه در معنای آن، به «نهایت و سرانجامی که کار به سوی آن نشانه می رود» گفته می شود؛ نهایت و سرانجامی که ممکن است امری بیرونی باشد، مانند پایان حرکت مکانی و ممکن است امری درونی باشد، مانند احساس لذت از انجام دادن کار.

تقسیم بندی اهداف تربیتی از نظر اسلام

در تقسیمات بشری اهداف تربیتی، تمرکز بیشتر در جهت فعال سازی توانایی فرد، با هدف انطباق با محیط و تبدیل شدن به یک عنصر مفید و کار آمد، برای پیشرفت مادی خود و جامعه می باشد.

اما اهداف تربیتی از نظر اسلام، بیشتر در جهت برجسته کردن فطرت الهی و ذاتی انسان است. تا از این طریق، گرایش به سمت معنویت در فرد وجود آید و قدرت درک رمز و رازهای هستی و نیل به فهم قدرت صانع و عظمت و ابهت که در آن نهفته است، فزونی یابد و بدین وسیله فرد در هر کرانه از این جهان بزرگ، خود را در محضر خدا احساس کند، و توانایی و قدرتش را برای انجام کار هدیه خالق خود بداند و همواره در صدد ایجاد و تقویت جامعه مطلوب باشد که در آن به انسانیت انسان و خواست های متعالی بشری، هم چون عدالت، صلح، همکاری و تعاون به بزرگی، نگاه شود. به همین جهت، هدف تربیت از دیدگاه اسلام بوجود آمدن انسانها صالح است که جامعه خوب و کشور صالحان را تشکیل بدهند. در تقسیم بندی اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام و ساز و کارهای آن، دقیقا این مطلب لحاظ شده است و راهکارهای برای ماندن در این مسیر، وعدم انحراف از آن، ارایه شده است.

اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام، بر سه قسم تقسیم می شود:

۱- اهداف غایی ۲- اهداف کلی (واسطه) ۳- اهداف جزئی (رفتاری)

هدف غایی و نهایی در اسلام، قرب و نزدیکی به خداست. تمام فعالیت انسان در جهت رسیدن به این هدف یعنی هدف غایی که رسیدن به قرب الهی باشد انجام می شود و فقط خداست که صلاحیت دارد در مدار حرکت انسانی قرار گیرد. منظور از هدف غایی یعنی استمرار حضور خدا در متن زندگی انسان. انسان در هر آن از حیات خود، محتاج دمیدن نفخه الهی است. پس بجاست که مقصد حرکت او هم رسیدن به قرب خدا باشد. در اهداف تربیتی اسلام، اتخاذ رویکرد، و انتخاب روشهای مناسب، در جهت رسیدن به این هدف عالی که انسان با آن پیوند ناگسستنی دارد، تاکید شده است، چون از یک جهت منشاء وجود انسان، و از طرفی دیگر محل بازگشت او است. با شناخت هدف غایی و غایت و سرانجام کار، زندگی برای یک فرد مسلمان معنی خاص پیدا می کند چون دیدن جلوه های از مظاهر قدرت او در جهان هستی که خود آینه ای است بر عظمت خدا، همواره فلاح، سعادت و فوز عظیم را به انسان می نمایاند که همان شناخت خدا و رسیدن به او باشد.

اهداف واسطه ای :

اهداف واسطه ای در حکم وسیله رسیدن به هدف غایی است. هدف غایی راه و مسیر را برای انسان مشخص می کند، اما چگونگی طی مسیر، کار هدف نهایی نیست بلکه کار هدف واسطه ای است. مثلاً هدف نهایی، قرب بخداست، اینکه چگونه باید به قرب خدا رسید هدف واسطه ای آن را بازگو می کند که مثلاً از طریق معرفت خدا و شناخت عظمت و صفات او و ایمان بخدا و اطاعت از دستورات او و تقوا و پرهیزکاری و اجتناب از نواهی الهی و عبادت و پرستش خدا که او ست تنها سزاوار پرستش و عبودیت، می توان به خدا رسید.



با تشکر از صبر و حوصله شما